

نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۲/۴

نجف لکزایی *

رقیه جاویدی **

نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، نخستین بار در اندیشه شیعه، همراه با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در صحنه عمل ظاهر شده و سپس از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ادامه یافته است. با مراجعه به اندیشه سیاسی این دو رهبر انقلاب می‌توان به ارکان اساسی نظام و دولت اسلامی دست یافت. از طرف دیگر، برای روشن شدن دیدگاه هر متفکر و اندیشمندی درباره دولت، می‌توان اندیشه او را در سه بحث مفهوم (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) بررسی کرد. بررسی‌ها بیانگر آن است که در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم دولت با توجه به منشأ الهی - مردمی دانستن دولت و اعتقاد به مردم‌سالاری دینی و اصول مسلم استقلال، آزادی و جمهوری، مفهومی شبکه‌ای است که بر مبنای هندسه الهی شکل یافته است. در بحث ساختار دولت، ایشان به دولت کوچک پویا و تعاملی بدون الزامات غیراسلامی و حتی الحادی نظریات غربی و شرقی معتقدند. به اعتقاد ایشان، ساختار دولت، ولایت فقیه بر پایه ولی فقیه و سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است که به صورت مستقل و مجزا از یکدیگر فعالیت می‌کنند. ایشان کارویژه اصلی دولت را «نظارت، حمایت و هدایت» و اصل اساسی را عدم دخالت دولت در زندگی مردم می‌دانند؛ به جز زمانی که مصلحت اسلام یا مردم مسلمان اقتضا کند که در این صورت دولت می‌تواند در امور مردم دخالت کند. بر اساس همین کارویژه و وظیفه‌ای که برای دولت تعریف می‌کنند، ایشان در نظریه دولتشان به دولت کریمه عدل‌محور معتقدند که مبنای آن اسلامی است و جهت الهی دارد و اصول اساسی آن، برپایی قسط و عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق



نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (nlakzaee@gmail.com).

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (roghayeh_javidi@yahoo.com).



ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، و دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، اندیشه سیاسی، دولت، هندسه اسلامی، دولت کریمه عدل محور.

۱. مقدمه

دولت به منزله ابزاری در خدمت تلاش هدفمند انسان برای تنظیم امر سیاسی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت جوامع بشری بدون وجود دولت، هرگز نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند و منزلت امروزی خود را بیابند. از نظر تاریخی، دولت همواره با اجتماعات انسانی همراه بوده و در صحنه عمل نیز به صورت‌های گوناگونی تجلی یافته است. «تعیین زمان پیدایش دولت در تاریخ بشر دشوار است و نمی‌توان تاریخ معینی برای آن ذکر کرد» (عالم، ۱۳۸۴: ۱۶۳)؛ اما با بررسی دولت‌ها می‌توان گفت در مراحل گذار دولت از آغاز پیدایش آن تا عصر جهانی شدن، تحولاتی در مفاهیم - که داده‌ها و ابزار بنیادین تجزیه و تحلیل و ساخت نظریه‌ها هستند - و به تبع، نظریه‌های دولت و ساختارها و کارکردهای آن رخ داده است.

چارچوب نظری این مقاله، برگرفته از کتاب *نظریه دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن* اثر محمد توحیدفام است. توحیدفام به سیر تحول دولت، از دولت‌های نخستین تا دولت لیبرال دموکراسی در عصر جهانی شدن در سه بُعد مفهوم (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) پرداخته است.

تحول وجه مفهومی دولت و چیستی مفهوم آن را در دو حوزه می‌توان بررسی کرد: یکی در حوزه نظر و دیگری در حوزه عمل. با بررسی تحول عملی دولت‌ها از یونان باستان تا کنون، می‌توان گفت تحول دولت‌ها ناظر به دگرگونی مفهوم ارگانیکی دولت (دولت بسان هدف) به سمت مفهوم مکانیکی آن (دولت بسان وسیله) است. در ابتدای پیدایش دولت، این پدیده به مثابه هدف و مانند ارگانیسمی در نظر گرفته می‌شد که میان اجزای آن ارتباط وجود دارد و دارای توسعه و رشد درونی و نیز هدف و غایت است و به همین دلیل، جدا کردن آن از انسان و جامعه، امری ناممکن و نادرست بود؛ اما به مرور زمان، دولت به منزله ابزاری برای حاصل عمل ارادی انسان و مصلحت‌سنجی‌های او یا قراردادی برای تأمین نظم و امنیت در جهان در نظر گرفته شد. چنین دولتی، ماهیتی

ارادی و قابل تفکیک از جامعه و فرد دارد؛ زیرا این دولت است که برای انسان وجود دارد، نه انسان برای دولت. در واقع، با مکانیکی شدن دولت‌ها، دولت ابزار ساخته انسان برای حل مسائل و مشکلات سیاسی او به شمار می‌آید.

وجه دوم، ناظر به تحول در ساختار دولت، از دولت حداکثرگرا به دولت حداقلی است. این فرایند بیانگر کم‌رنگ شدن کارویژه‌های مداخله‌گرانه دولت، تحدید قدرت دولت و تجدید بنیاد آن بر روش‌های دموکراتیک است؛ زیرا ساختار دولت و الگوهای حاکم بر آن، بر اساس وظایف و فعالیت‌های دولت تعریف می‌شوند. پیامد تحول ساختاری دولت عبارت است از: تغییر در مداخله‌گرایی از سطح کلان اقتصادی به سطح خرد اقتصادی، تغییر قانون مداخله‌گرایی در روند توسعه، تخصیص صنایع سنگین و پایه‌ای به کشورهای خاص، بروز واکنش‌های انعطاف‌پذیر در برابر شرایط رقابت‌آمیز، ظهور تغییرات سریع در شرایط بازار بین‌المللی، تغییر سیاست‌های حکومتی و حزبی از تلاش برای به حداکثر رساندن رفاه در درون جامعه ملی، و ترویج نوآوری و بهره‌وری در بخش‌های عمومی و خصوصی.

وجه سوم، تحول در نظریات دولت است که ناظر به تحول در نظریه‌های حداکثرگرا به نظریه‌های حداقل دولت است. این وجه، به دو رویکرد جامعه‌محور (تبیینی) و دولت‌محور (تجویزی) در نظریه‌های دولت اشاره دارد. رویکرد جامعه‌محور، دولت مدرن را به شدت تحت فشار ساختار درونی جامعه و متکی به حمایت سیاسی و منابع اقتصادی بازیگران قدرتمند بخش خصوصی می‌داند؛ اما رویکرد دولت‌محور با بررسی رابطه دولت مدرن با نیروهای جامعه، بر توانایی دولت بر انجام عملی خلاف تقاضاهای بازیگران سیاسی تأکید می‌کند (توحیدفام، ۱۳۸۸: ۱-۴).

امروز نظریه‌های متأخر رویکرد جامعه‌محور با پذیرش نظام مشارکتی از طریق احزاب، انتخابات و نظام رقابتی، به نوعی تأیید و تأکید خود را بر افزایش اختیارات حوزه عمومی و کارویژه‌های آن و مشارکت مردم در کارویژه‌های دولت اعلام کرده است؛ اما رویکرد دولت‌محور نیز با تأکید بیشتر بر کاهش کارویژه‌های مداخله‌جویانه دولت، حکومت دموکراتیک را صرفاً نتیجه روی کار آمدن دولت حداقل دانسته است. آنچه در گذر از نظریه دولت حداکثر به دولت حداقل حایز اهمیت است، تفوق نظریه‌ای است که کارویژه‌های آن به اموری مانند اعاده نظم، پاسداری و امنیت ملی، نظارت بر قراردادهای ممانعت از تجاوز افراد به حقوق یکدیگر، حفظ آزادی شهروندان، تضمین امنیت اقتصادی،

حفاظت از دارایی‌های خصوصی و غیره محدود شده است (همان: ۷). امروزه با توجه به تحولات دولت، شاهد گذار از دولت مداخله‌جو و جامعه منفعل به سوی دولت حداقلی و جامعه فعال هستیم.

مفهوم	• ارکانی (اندام‌واره - دولت بسان هدف)
دولت	• مکانیکی (ابزار گونه - دولت بسان وسیله)
ساختار	• دولت حداکثرگرا
دولت	• دولت حداقلی
نظریه	• جامعه محور (رویکرد تبیینی)
دولت	• دولت محور (رویکرد تجویزی)

نمودار شماره ۱: چارچوب تحلیلی بحث

این سه وجه تحولی با توجه به پهنا و گستره آن، بیشتر نقاط جهان و از جمله جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گیرد. بر اساس این سه منظر از بحث، در مقاله حاضر تلاش شده است تا سه وجه «مفهوم»، «ساختار» و «نظریه دولت» مدنظر مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به اندیشه سیاسی و بیانات ایشان بررسی و تبیین شود.

۲. مفهوم دولت: شبکه‌ای بر مبنای هندسه الهی

دولت، پدیده‌ای است که امروزه همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است؛ با این حال، برخی از صاحب‌نظران، دولت را تخیلی - حقوقی می‌دانند که بر دسته‌ای از واقعیت‌ها اتکا یافته است. دولت به این دلیل تخیلی است که همانند واقعیتی مادی وجود خارجی ندارد (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۳). در واقع، واژه دولت، یکی از مفاهیم پیچیده، مبهم و دوپهلوی در علم سیاست است که هنوز تعریف دقیقی از آن صورت نگرفته است. هیچ اجماع علمی و نظری در محافل دانشگاهی بر تعریفی جامع و مناسب از دولت وجود ندارد (کود ورس و همکاران، ۲۰۰۷: ۱-۷). در واقع، تعریف دولت به مجموعه‌ای از نظریات متفاوت، ولی مرتبط درباره پدیده سیاست مرتبط است که اغلب با یکدیگر همپوشانی‌هایی دارد (همان).

دولت در زبان انگلیسی با واژه state شناخته می‌شود که از ریشه لاتینی stsrē به معنای ایستادن و از واژه انگلیسی status به معنای وضع مستقر و پابرجا مشتق شده



است.

امروزه تعریف رایج دولت با چهار عنصر حقوقی «قلمرو یا سرزمین»، «عنصر انسانی یا جمعیت»، «حکومت یا قدرت سیاسی» و «حاکمیت» صورت می‌گیرد: «گروهی از مردم (جمعیت) که در قلمرو معین (سرزمین) سکونت داشته و تحت اصول منظم (قانون) به طور مستقل و دایم زندگی می‌کنند و فرمان‌بردار قانون صادره از یک مقام عالی (حاکمیت) می‌باشند» (نک: شعبانی، ۱۳۸۶: ۳۴). در واقع، دولت به مفهومی که امروزه به اذهان متبادر می‌شود، مولود تکامل جامعه انسانی است. اجتماع بشری به حکم طبیعت یا ضرورت، امری اجتناب‌ناپذیر است. به تعبیر ارسطو، «انسان طبیعتاً حیوانی اجتماعی است»^۱ (ارسطو، ۱۹۸۸م: ۴)؛ به طوری که زندگی بدون دولت در جهان معاصر، تقریباً غیر قابل تصور و باور است.

بر اساس این تعریف، می‌توان گفت چگونگی شکل‌گیری و ماهیت دولت، به طور معمول از سوی یک قانون اساسی (مدون یا نامدون) تعیین می‌شود (نک: گرجی ازندریانی، ۱۳۸۹: ۱۴). البته ناگفته نماند که گاه نظریه‌پردازان، واژه «دولت» را با واژه «کشور»^۲ مترادف به کار می‌برند. گاهی هم برای جلوگیری از ابهام ناشی از کاربرد عامیانه دولت، ترکیب «دولت - کشور» را ترجیح داده‌اند (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۵۸) و گاهی نیز «نظام سیاسی»^۳ با دولت مترادف انگاشته می‌شود.

با وجود همه این تن‌همدگی‌های معنایی واژه دولت، از نظر سیاسی، دو دیدگاه کلی درباره مفهوم دولت وجود دارد: (۱) دولت، پدیده‌ای ارگانستی^۴ و اندام‌واره است. (۲) دولت، پدیده‌ای مکانیکی^۵ و ابزارگونه است.

بر اساس دیدگاه اندام‌واره بودن دولت، گفته می‌شود دولت به عنوان پدیده‌ای اندام‌وار، از حیث کارکرد، تکوین و تکامل، به اندام‌واره‌های پیشرفته مانند است. از دیدگاه این نظریه، دولت همانند ارگانسیم نیست؛ بلکه خود، موجود اندام‌وار پیچیده‌ای است. دولت مانند نبات و حیوان، ارگانسمی طبیعی است که از سه خصلت عمومی ارگانسیم‌های

نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

1. Man is by nature a political animal.
2. Country.
3. political system.
4. Organistic phenomenon.
5. Mechanical phenomenon.



پیشرفته برخوردار است: (۱) وجود ارتباط داخلی میان اجزا و عناصر آن (مانند اجزای بدن انسان)؛ (۲) توسعه و رشد درونی خودبه‌خودی (مانند ویژگی خودترمیمی بدن انسان)؛ (۳) درونی بودن هدف و غایت (مانند هدف حفظ حیات و تداوم زندگی نزد انسان). دولت ابزاری نیست که انسان برای تأمین هدف خاصی آن را ایجاد کرده باشد؛ بلکه همانند خانواده و جامعه مدنی، اندام‌واره‌ای است که خود تحول و تکامل می‌یابد و حاوی غیایاتی والاتر از غایات جزئی و فردی است. دولت به عنوان پدیده‌ای مرکب، به خانواده و جامعه مدنی وحدت می‌بخشد و خود شکل تکامل‌یافته‌تر خانواده و جامعه مدنی است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۹۵).

بر اساس دیدگاه ابزارگونه بودن دولت، بیان می‌شود که دولت به طور اساسی محصول عمل ارادی انسان است؛ ابزاری است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خاصی آن را ساخته‌اند. دولت، نتیجه قرارداد اجتماعی برای تأمین نظم و امنیت در محدوده‌ای خاص است. دولت چیزی را تأمین می‌کند که طبیعت تأمین نکرده است و آن صلح، امنیت و آزادی است. از این رو، دولت برای انسان وجود دارد، نه انسان برای دولت. وقتی دولت، پدیده‌ای حاصل قرارداد و توافق افراد در نظر گرفته شود، به عنوان پدیده‌ای ساختگی نامیده می‌شود؛ اما وقتی دولت پدیده‌ای مصنوع، اما حاصل اجبار بخشی از جامعه بر بخش دیگر در نظر گرفته شود، پدیده‌ای اجبارآمیز و تحمیلی تلقی می‌گردد (وینست، ۱۳۷۱: ۳۱۴). حال باید دید در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، کدام‌یک از مفاهیم دولت مدنظر است و نظریه دولت ایشان بر پایه کدام‌یک از مفهوم دولت بنا شده است؛ اندام‌واره بودن دولت یا ابزارگونه بودن آن. برای اینکه به این مهم در اندیشه رهبری دست یابیم، باید ابتدا منشأ و سرچشمه دولت را از دیدگاه ایشان بررسی کرد؛ زیرا مفاهیم و تعاریف به ریشه و سرمنشأ خود متصل هستند.

نظریات گوناگونی درباره منشأ و دلایل به وجود آمدن دولت بیان شده است؛ برخی از متفکران، منشأ دولت را زور، عده‌ای آن را الهی، بعضی آن را طبیعی و برخی بر اساس قرارداد اجتماعی و ... می‌دانند. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به مبانی شریعت، منشأ دولت را الهی - مردمی می‌دانند و معتقدند:

انقلاب ما یک انقلابی بود که بر مبنای اسلام، امام و امت استوار بود. چون قیام نخستین، اسلامی و مردمی بود، انقلاب هم اسلامی و مردمی شد، و چون انقلاب، اسلامی و مردمی بود، حکومتی هم که بر مبنای آن انقلاب به وجود آمد، اسلامی و مردمی شد؛ یعنی

جمهوری اسلامی. ... خلاصه جمهوری ما این است: خدا و مردم (خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱).

با توجه به این مبناست که ایشان به مردم‌سالاری دینی معتقدند. از دیدگاه ایشان، مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. باید توجه داشت که مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین متصل کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ بلکه خود این مردم‌سالاری متعلق به دین است و اصول و جهت‌گیری الهی دارد:

مردم‌سالاری دینی دو وجه دارد: یکی، تشکّل نظام که به وسیله اراده و رأی مردم صورت می‌گیرد؛ یعنی مردم نظام، دولت، نمایندگان و مسئولان اساسی را با واسطه و بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. دیگر آنکه، دولت و مسئولان در برابر مردم وظایفی دارند و باید در خدمت مردم و خدمتگزار آنان باشند (همو، ۱۲ آذر ۱۳۷۹).

از طرف دیگر، به اعتقاد ایشان، ارکان مهم دولت اسلامی شامل نظام ولایت فقیه با سه رکن اصلی، یعنی «قوه مجریه، مقننه و قضاییه» است که با اصل تفکیک قوا در حال فعالیت و خدمت به مردم هستند. مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان نیز در کنار سایر قوای کشور، اداره و تصمیم‌گیری بخشی از نظام جمهوری اسلامی را برعهده دارند. در رأس تشکیلات نظام جمهوری اسلامی هم مقام رهبری (ولایت فقیه) قرار دارد که فرماندهی کل قوا نیز در اختیار ایشان است.

به نظر ایشان، منظومه فکری مهم این دولت اسلامی و مردم‌سالاری دینی عبارت است از: نفی ظلم، استکبار و استبداد، و استقلال و استغنائی همه‌جانبه دولت و ملت از تکیه کردن به قدرت‌های دیگر، عزت ملی و کشور اسلامی، آزادی و جمهوری:

این شعار معروف استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است... استقلال، بخش غیر قابل انفکاک از آزادی است؛ یعنی جزئی از آزادی است. جزئی از مفهوم آزادی، استقلال یک کشور است؛ آزادی در مقیاس یک ملت است؛ معنای این استقلال است. آن وقت همه اینها جزء جمهوری اسلامی است؛ یعنی جمهوری اسلامی هم، نه فقط آزادی است، نه فقط استقلال است، بلکه شامل اینها هم هست» (همو، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴).

بنابراین، با توجه به اینکه در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری، «تشکیلات دولت، یعنی آن سازماندهی نیروها برای اداره این کشور و به کار گرفتن امکانات کشور برای



رسیدن به آن هدف‌ها» (همو، ۸ اردیبهشت ۱۳۶۸) است و نیز بر اساس اینکه ایشان دولت را «مردمی - الهی» می‌دانند و از طرف دیگر، به مردم‌سالاری دینی و استقلال و آزادی و جمهوری نظام معتقدند، مفهوم دولت در اندیشه ایشان، شبکه‌ای درهم‌تنیده است که دو معنای ارگانیکی (اندام‌واره بودن) و مکانیکی (ابزارگونه بودن) دارد؛ یعنی هم دولت را در یک مجموعه کل می‌دانند و برای آن کمال، تعالی و اهداف والا و سرمنشأ الهی قایل هستند و هم برای دولت ویژگی مردمی بودن و دموکراسی، جمهوریت، استقلال و ... برمی‌شمرند و معتقدند دولت، ابزاری است برای تحقق اهداف و نیز در خدمت مردم است برای تعالی و پیشرفت آنها. در واقع می‌توان گفت در نظر ایشان، مفهوم دولت بر مبنای هندسه الهی شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود. ایشان معتقدند:

نظام اسلامی به انسان‌ها سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم، یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه خداست در جامعه (همو، ۶ اسفند ۱۳۸۸).

از طرف دیگر، ایشان تشکیل دولت اسلامی را بر پایه نظامی اسلامی می‌دانند:

نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود ... قدم بعدی ... ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم (همو، ۲۱ آذر ۱۳۸۰).

ترسیم فرایند مدنظر ایشان در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران چنین است:

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم» (همو، ۶ آبان ۱۳۸۳).



نمودار شماره ۲: جایگاه دولت در تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

بنابراین، نظام اسلامی، مقدمه تشکیل دولت اسلامی است و وقتی نظام اسلامی، یعنی ارکان حکومت، منبع تقنین و معیار و ملاک تصمیم‌گیری و قانون اساسی مشخص و

تثبیت شد و در واقع، پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت، آن‌گاه نوبت به تشکیل دولت اسلامی و محتوا دادن به این ارکان و اصول و نظم دادن به زندگی مردم می‌شود (همو، ۸ شهریور ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت مفهوم دولت در اندیشه رهبری، نه به مفهوم ارگانیکی صرف است و نه مکانیکی صرف؛ بلکه بر مبنای هندسه اسلامی است و به بیان دیگر، ایشان به مفهومی شبکه‌ای و درهم‌تنیده در خصوص دولت معتقدند.

۳. ساختار دولت: ولایت فقیه؛ نظام‌مند؛ دولت کوچک پویا

ساختار دولت در ایران، جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه است.^۱ در رأس این ساختار، ولی فقیه و سپس سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه قرار دارند که مستقل از یکدیگرند. این نظریه رهبری، در راستای نظریه امام است که ایشان رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی را در دوره غیبت، ولایت فقیه می‌داند و آن را اصلی روشن و بدیهی برمی‌شمارد (نک: امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۰: ۲۹؛ همو، بی‌تا: ۵؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۳۳۲). بنابراین، در رأس دولت اسلامی، عالی‌ترین مقام که در رأس حکومت و قوای کشور قرار دارد و حاکم و زمامدار مسلمانان تلقی می‌شود و سیاست‌های کلان به دست او تعیین می‌شود، ولی فقیه است. پس از ایشان، نظام حکومتی شامل سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه می‌شود که رئیس قوه مجریه بعد از مقام رهبری، دومین مقام رسمی کشور را برعهده دارد. بین قوای

۱. قایلان به «ولایت فقیه» برای اثبات آن، دو مبنا ارائه داده‌اند: مبنای اول «نصب» است و مبنای دوم «انتخاب» و بیعت. مطابق نظریه اول، فقهای واجد شرایط در زمان غیبت امام معصوم همگی به نصب عام از سوی امام صادق (علیه السلام) به ولایت سیاسی و قضایی منصوب شده‌اند. «نصب عام» به این معنا است که فقهای واجد شرایط، هر کدام به طور جداگانه و اختصاصی از سوی امام به ولایت منصوب نشده‌اند؛ بلکه امام به طور عمومی هر فقیه‌ای را که جامع شرایط باشد، به ولایت بر مؤمنان برگزیده است و مردم موظف‌اند با آنان بیعت کرده، حاکمیت اسلامی را محقق نمایند. بر اساس این نظریه، مشروعیت حاکمیت فقها از طرف شارع مقدس است و انتخاب مردم در مشروعیت حاکمیت اسلامی آنان هیچ‌گونه نقشی ندارد.

اما مطابق مبنای دوم، حاکمیت و ولایت در زمان غیبت - و نه در زمان حضور امام معصوم - فقط با بیعت تحقق پیدا می‌کند و فقهای واجد شرایط پیش از بیعت شرعی و انتخاب مردم، تنها صلاحیت ولایت را دارند؛ ولی برای آنان، نه عملاً ولایتی وجود دارد و نه مشروعیتی. به عبارت دیگر، بر اساس این نظریه اگر فقیه جامع‌الشرایط بدون بیعت شرعی و مردمی قدرت را قبضه کند و عملاً دارای حاکمیت شود، ولایت و حاکمیت او مشروعیت نخواهد داشت؛ مگر اینکه مردم به آن رضایت دهند و در حقیقت با او بیعت کنند.

طرفداران هر یک از دو نظریه برای اثبات مدعای خود به دلایلی روی آورده‌اند (برای اطلاع بیشتر، نک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴).





این دولت نیز تفکیک قوا وجود دارد؛ اما همه، قوای یک نظام هستند و در رأس هرم قدرت با یکدیگر تلاقی می‌کنند و همه در یک نقطه متمرکز می‌شوند و کسی که نقطه مرکزی و اصل نظام است، ولی فقیه است که به همه قوا وحدت و یکپارچگی می‌بخشد. به عبارت دیگر، در نظام ولایت فقیه، قوای سه‌گانه تحت اشراف نقطه مرکزی نظام، یعنی ولایت فقیه قرار دارند. او، هم حافظ قانون اساسی است و هم مراقب است که از احکام اسلامی، ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تخلفی صورت نگیرد و نیز نقش هماهنگ‌کننده بین قوای سه‌گانه را برعهده دارد و اگر کشور با بحران‌های شکننده روبه‌رو شود، وی با هدایت و تدبیر، بحران‌ها را برطرف می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۲۷).

ویژگی‌های این دولت شیعی که در رأس آن ولی فقیه است، عبارت است از:

(۱) جهت‌گیری الهی داشتن آن، که در تداوم ولایت ربوبی خدای متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است.

(۲) مشروعیت داشتن آن، که از طرف خداوند اجازه ولایت و زمامداری فقیه داده شده که در تمام شئون اجتماعی افراد دخالت کند و امور جامعه را بر اساس احکام الهی اداره نماید.

(۳) مقبولیت و پذیرش اجتماعی داشتن آن، که مردم و پذیرش آنان در عینیت بخشیدن ولایت فقیه، نقش اصلی را دارد (نصرتی، ۱۳۸۳: ۸۲-۸۳).

اما وقتی بحث از ساختار دولت به میان می‌آید، بیشتر اندیشمندان معمولاً بحث از اندازه آن را نیز به میان می‌آورند. درباره اندازه مطلوب دولت، بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی - سیاسی، اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای در نظر گرفت که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریزی متمرکز ختم می‌شود. در میان این دو سر طیف، می‌توان به دولت قانون‌گذار، دولت رفاه، دولت سیاست‌گذار، دولت برنامه‌ریز بخشی و غیره اشاره کرد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۳). به هر حال، از نظر مداخله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها، به طور کلی دو نظریه درباره اندازه دولت وجود دارد:

الف) دولت‌های حداکثری: دولت‌هایی که در تمام امور جامعه و کشور، اعم از اقتصاد، سیاست، حریم خصوصی، فرهنگ و غیره دخالت می‌کنند؛ همانند رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی، مارکسیستی و سوسیالیستی.

ب) دولت‌های حداقلی: دولت‌هایی که کارویژه و نقش حداقلی و آن هم در بعضی از

امور جامعه و کشور برعهده دارند؛ به طوری که گویا دست دولت در امور کشور بسته بوده، از ایفای نقش خود ناتوان است. چنین دولتهایی اغلب منفعل هستند تا فعال. همچنین باید توجه کرد که نوع نگرش به نقش دولت و دلایل به وجود آمدن آن نیز در اندازه و ساختار دولت مؤثر است؛ زیرا تغییر نگرش‌ها، سبب تغییر وظایف و مسئولیت‌های محول شده به دولت و در نتیجه، تغییر اندازه دولت می‌شود (چشمی، ۱۳۸۴). با توجه به مقدمات بیان شده، برای اینکه به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره ساختار دولت دست یابیم، باید منشأ دولت و کارویژه‌های آن را در اندیشه ایشان بررسی کنیم. در بحث قبل بیان شد که رهبر معظم انقلاب بر اساس اینکه حرکت انقلابی مردم که به تشکیل جمهوری اسلامی انجامید، بر مبنای الهی بود، برای دولت نیز سرچشمه‌ای الهی - مردمی قابل هستند و مردم‌سالاری دینی را که ناشی از آن است، اصل و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای وظایف، نقش‌ها و کارویژه‌های دولت در رابطه با مردم و جامعه، در دو گونه وظیفه و کارکرد خلاصه می‌شود که هر کدام نیز به زیربخش‌هایی قابل انقسام است:

الف) وظایف مربوط به امور معنوی

- تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و تقویت مبانی شناختی و فرهنگی مردم: در این امر رسانه‌های عمومی، از جمله صدا و سیما، مطبوعات و نیز نهادهای تعلیم و تربیتی دولت نقش اساسی دارند. جامعه‌ای که از لحاظ فرهنگ، معلومات و آگاهی در سطح بالایی باشند، می‌توانند سدی محکم در برابر نفوذ فرهنگ بیگانگان باشند (نک: خامنه‌ای، ۱۴ آذر ۱۳۶۵).

- تأمین آزادی‌های مختلف برای افراد جامعه: منظور از این وظیفه، زمینه‌سازی دولت برای رهایی افراد جامعه از عیوب مخرب، مفسد و متوقف‌کننده همه موانع حرکت و رشد و جهش انسان‌هاست. در اینجا آزادی به هر دو معنا مدنظر است: (۱) آزادی روح انسان از آلائش‌ها، هواها و هوس‌ها و نیز از ردائیل و قید و بندهای مادی؛ (۲) آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اقتصادی، آزادی فکر و اندیشیدن و عقیده. البته هر دو گونه آن در چارچوب اسلام و مبانی اسلامی و شریعت پذیرفته شده است، نه در چارچوب غرب که هر کسی هر کاری دلش خواست انجام بدهد که نتیجه آن، بی‌بندباری، خودرأیی و خودکامگی است (همان).



- ایجاد مصونیت: از طریق افزایش توانمندی‌ها که آن هم از راه‌های ذیل به دست می‌آید: (۱) تقویت ایمان اسلامی مردم از سوی دولت؛ ۲. تقویت علم از سوی دولت و ... (همو، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵).

ب) وظایف مربوط به امور مادی و رفاهی

- پرداختن به صنایع کوچک و متوسط در بخش صنعت و اشتغال‌زایی؛
- توجه به اولویت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولتی؛
- توجه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- تأمین امنیت کاری و شغلی: از طریق جلوگیری از قراردادهای غیر لازم، جلوگیری از قاچاق کالا و هدایت منابع به سمت مصلحت کشور (همو، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵).
- مراقبت و حمایت از مردم و خدمت به آنها، به‌خصوص محرومان، ستمدیدگان، از پا افتادگان و محتاجان (همو، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱ و ۱۱ دی ۱۳۶۶). با انجام این وظیفه، محبت و اعتماد مردم به دولت و دلتمردان جلب می‌شود (همو، ۲۳ مرداد ۱۳۷۰) و مردم نیز از دولت در همه امور و تصمیماتش حمایت خواهند کرد و در مواقع حساس از نظام دفاع خواهند کرد و بزرگ‌ترین بحران‌ها را هم همین عاطفه و محبت مردم از سر خواهد گذراند.
- کنترل، هدایت و نظارت در مسائل و امور اقتصادی و بر کیفیت استفاده از سرمایه و مصرف آن: در این صورت، در این امور سوءاستفاده صورت نمی‌گیرد که حق مردم ضایع شود و نیز در مصرف هم اسراف نمی‌شود تا حق طبقات ضعیف و مستضعف پایمال گردد و مصلحت کشور به خطر نخواهد افتاد (نک: همو، ۱۵ آبان ۱۳۶۶). مزیت دیگر این وظیفه دولت، اگر به‌درستی و با دقت فراوان انجام شود، این است که در جامعه، ظلم، بغی و فساد مانند دنیای سرمایه‌داری به وجود نمی‌آید و از مفاسد اقتصادی خرد و کلان جلوگیری می‌کند؛ زیرا این‌گونه مسائل، پایه‌های دولت و نظام اسلامی را سست و متزلزل کرده، مردم را از نظام دل‌سرد می‌نماید.

- ضامن اجرای قانون بودن: به اعتقاد رهبری، «اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به‌خودی‌خود نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است» (همو، ۱۱ دی ۱۳۶۶).

- استقرار عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی: «یکی از اهرم‌های استقرار عدالت در جامعه اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشن‌تر، دستگاه اجرایی

اسلامی است» (همان).

- حضور کامل دولت در همه فعالیت‌های جامعه: این کار به منظور نظارت و کنترل بر فعالیت‌های جامعه و نه دخالت در امور مردم صورت می‌پذیرد (همان). دولت اسلامی نیز با اعمال قدرت و با حضور دایمی و رابطه مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری کند تا ظلم و بغي و تبعیض و اختلاف طبقاتی و از بین رفتن زندگی و رفاه قشر عظیم مستمند اتفاق نیفتد؛ اما اگر این‌گونه نباشد، اگر دولت دستش باز نبود و توان اعمال قدرت نداشت، قانون به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود.

- قرار دادن مقرراتی برای کارفرمایان: این کار برای رعایت حقوق کارگران و قشر محروم جامعه و حمایت و دستگیری از حقوق مظلومان و محرومان انجام می‌شود (نک: همان).

با توجه به منشأ دولت و کارویژه‌هایی که مقام معظم رهبری برای دولت تعریف می‌کنند، به نظر می‌رسد ایشان به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف‌شده غربی معتقد نیستند؛ بلکه ایشان در تعریف ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده/دولت کوچک) به ساختاری نظام‌مند و دولت کوچک پویا و تعاملی معتقدند. در واقع، ایشان بیشتر گستره «نظارت»، «حمایت» و «هدایت» جامعه را وظیفه دولت می‌دانند و به عدم دخالت دولت در زندگی مردم قایل‌اند؛ اما در سطح جامعه و کشور معتقدند دولت باید فعال و پویا باشد و نقش تعاملی داشته باشد.

پس می‌توان گفت ایشان ساختار دولت را، یک دولت کوچک پویا و بدون الزامات نظریات دولت حداقلی در غرب می‌دانند. از یک طرف، نه حداکثری که دولت در تمام ابعاد زندگی مردم دخالت کند؛ مانند دولت‌های سوسیالیستی و مارکسیستی شرق، و نه حداقلی که دولت از جامعه منفعل باشد؛ مانند دولت سرمایه‌داری غرب. از طرف دیگر، ساختار تشکیلات دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از: نظام شیعی ولایت فقیه‌ای بر پایه رأس نظام، یعنی ولی فقیه و سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه و پذیرش اصل تفکیک قوا و همراهی دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برای نظارت بر اجرای اسلامی بودن قوانین و در نظر گرفته شدن مصلحت اسلام و مردم مسلمان.

۴. نظریه دولت: دولت کریمه عدل محور

در عصر کنونی، شاهد تحول نظریه‌های دولت از دولت حداکثرگرا به دولت حداقلی ۱۵۷



هستیم. این وجه، ناظر به تحول نظریه‌های دولت مدرن از منظر دو رویکرد است: رویکرد جامعه‌محور (تبیینی) و رویکرد دولت‌محور (تجویزی). رویکرد جامعه‌محور، دولت مدرن را به شدت تحت فشار ساختار درونی جامعه و متکی بر حمایت سیاسی و منابع اقتصادی بازیگران قدرتمند بخش خصوصی می‌داند؛ اما رویکرد دولت‌محور، با بررسی رابطه دولت مدرن با نیروهای جامعه، بر توانایی دولت به انجام عملی خلاف تقاضاهای بازیگران سیاسی تأکید می‌کند. امروزه این تحولات با توجه به پهنا و گستره آن در بیشتر کشورهای جهان، و نیز تعمیق آن در لایه‌های مختلف جوامع که ناشی از جهانی شدن و ویژگی‌های آن است، سبب کاهش نقش و کارویژه‌های دولت و ظهور شرایطی تازه برای گذار به دموکراسی و دولت دموکراتیک و تخصصی شده است (توحیدفام، ۱۳۸۸: ۸-۱). حال با توجه به موضوع مقاله، باید پی گرفت که: نظریه دولت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

به نظر ایشان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر پایه اسلام، ولی فقیه و مردم شکل گرفت (نک: خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱)؛ از این رو، نظریه دولت ایشان، بر پایه جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی و مبتنی بر شریعت و مردم است. به اعتقاد ایشان، مردمی بودن، راز اصلی انقلاب و نظام ماست و به دلیل اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه مردم و اسلام است و دشمن نیز این را می‌داند، درصدد است با تفرقه‌افکنی و ایجاد دشمنی میان مردم و مسئولان، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزند (نک: همان).

به نظر رهبر معظم انقلاب، حکومت مردمی و مردم‌سالاری دینی، بدین معناست که بر اساس فرمان خدا، به مردم اجازه و امکان تصمیم‌گیری در سرنوشت خود و اقدام داده شده است و حکومت الله با حکومت مردم هیچ منافاتی ندارد. در قرآن کریم هم درباره بنی‌اسرائیل آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» (قصص: ۵). در واقع، حکومت مردم، به معنای حکومت خدا و در چارچوب احکام الهی و شرع مقدس است.

به اعتقاد ایشان، مردمی بودن حکومت اسلامی، دو معنای دووجهی دارد: (۱) نقش دادن به مردم در حکومت در چارچوب احکام الهی برای تعیین سرنوشت خود؛ (۲) حکومت در خدمت مردم و خدمتگزار مردم (خامنه‌ای، ۱۴ مرداد ۱۳۶۲). به همین دلیل، مشاهده می‌کنیم در جمهوری اسلامی که پرتویی از حاکمیت اسلام در آن هست، مردم در همه صحنه‌ها حضور و نقش پررنگی دارند و در این نظام، دارای حق رأی و نظر هستند. این دولت مردمی - الهی در سیره اهل بیت نیز پیشینه تاریخی دارد. در صدر اسلام،

حکومت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز تا مدتی بعد از رحلت ایشان، حکومت جامعه اسلامی، حکومتی مردمی بود. در زمان حکومت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز مردم در صحنه حکومت به معنای واقعی حضور و دخالت می‌کردند، نظر می‌دادند و در تصمیم‌گیری‌ها از آنها مشورت گرفته می‌شد و حق رأی و نظر و مشورت داشتند. بنابراین، اگر حکومتی ادعا می‌کند مردمی است، باید به معنای اول هم مردمی باشد؛ یعنی مردم در این حکومت دارای نقش باشند (نک: همان).

با توجه به مطالب بیان شده و اینکه مقام معظم رهبری برای دولت، نقش رهبری، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و «نظارت، حمایت و هدایت» جامعه قایل است و وظیفه مردم را اطاعت، مشارکت، نقد و اصلاح می‌داند و تنها در مواردی که مصلحت اسلام و مردم مسلمان اقتضا کند، دخالت و عاملیت دولت را جایز می‌داند، بنابراین، ایشان به نظریه تلفیقی جامعه‌محور و دولت‌محور معتقد است که می‌توان آن را «نظریه عدل‌محور» نامید. به نظر مقام معظم رهبری، «حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی، این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد» (خامنه‌ای، ۲۷ بهمن ۱۳۷۹). همچنین بر اساس اندیشه ایشان:

نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ! (همو، ۲۶ آذر ۱۳۸۲).

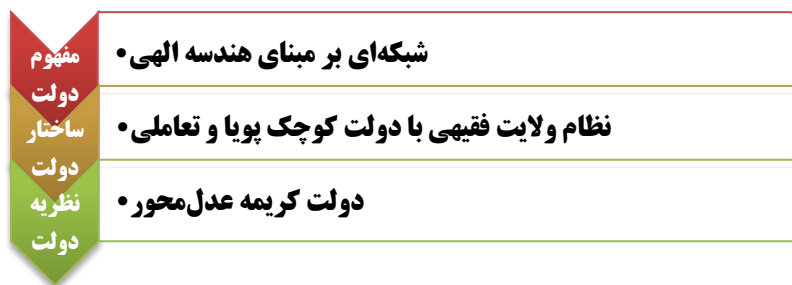
از طرفی، ایشان در سخنان خود از دولت کریمه یاد کرده‌اند که ویژگی بارز آن، اجرای عدل و تحقق عدالت و عزت دادن به مسلمانان است:

دولت باید دولت کریمه باشد. معنای «اللَّهُمَّ اِنَّا نُرْغِبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ» این است که پروردگارا! ما دست‌های خود را بلند و دل‌هایمان را به سوی تو عرضه می‌کنیم و از تو دولت کریمه را می‌خواهیم ... دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاست‌های نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی‌بیند ... دولت

۱. شیخ کلینی، *الکافی*، ج ۳، ص ۴۲۲؛ شیخ صدوق، *تهذیب‌الاحکام*، ج ۳، ص ۱۰۶؛ شیخ طوسی، *مصباح‌المتهجد*، ص ۵۷۷؛ علامه مجلسی، *بحار‌الأنوار*، ج ۸۸، ص ۶

کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است» (همو، ۰۵/شهریور/۱۳۸۰).

در نتیجه، می‌توان گفت نظریه مدنظر رهبری در بحث دولت، «دولت کریمه عدل‌محور» است که اصول آن عبارت است از: برپایی قسط و عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، و دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم.



نمودار شماره ۳: نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

۵. نتیجه

به نظر آیت‌الله خامنه‌ای، خطوط اصلی همه تصمیم‌ها و برنامه‌ها، به آبشخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، و تلقی و برداشت اسلامی متصل است و بر اساس آن برداشت و تلقی است که وظایف مشخص می‌شود و عمل بر طبق آن صورت می‌گیرد. در واقع، این خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام و جهان‌بینی اسلامی است که به همه امور جهت دینی و اسلامی می‌دهد و آنها را از امور باطل و کفر جدا می‌سازد و نیز همین جهت‌دهی است که سبب شکل‌گیری دو نظام کفر و ایمان می‌شود.

تمام این اصول جهان‌بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه مؤثر است. بنابراین، دولت اسلامی از نظر مبانی و منابع، کاملاً با دولت‌های غربی و مدرن تفاوت دارد و دیدگاه‌های دولت اسلامی نیز از این نظر با غرب متفاوت است و نمی‌توان دیدگاه‌های غربی و اروپایی را بر ایران و دولت اسلامی آن کاملاً منطبق و قابل تطبیق دانست. البته باید توجه کرد که گاه از اصلاحات یکسانی در نظریه‌ها استفاده می‌شود؛ اما باید در نظر داشت که یکسان بودن اصلاحات و به‌کارگیری آنها، به



معنای ملزم و پایبند بودن به مبانی نظریات غربی نیست و صرف کاربرد است و جهت الحادی ندارد؛ بلکه جهت الهی و جهت‌گیری اسلامی و دینی دارد.

در این مقاله، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری در باب دولت با توجه به سه وجه نظری بحث، یعنی مفهوم دولت (ارگانیکی/مکانیکی)، ساختار دولت (دولت حداقلی/دولت حداکثری) و نظریه دولت (جامعه‌محور/دولت‌محور) بررسی شد. در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم دولت تلفیقی از مفهوم ارگانیکی و مکانیکی است. به نظر ایشان، تشکیلات دولت عبارت است از: سازماندهی نیروها برای اداره کشور و به کار گرفتن امکانات کشور برای رسیدن به هدف‌ها. ایشان منشأ دولت را مردمی - الهی می‌دانند و به مردم‌سالاری دینی و اصول مسلم استقلال، آزادی و جمهوری معتقدند. از طرفی، ایشان بر آن است که نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران که مقدمه تشکیل دولت اسلامی آن بود، بر مبنای هندسه الهی شکل گرفته و قوام یافته است؛ به این معنا که نظام و دولت در ایران، جهت الهی و اسلامی دارد و بر مبنای شریعت، ایمان و عدالت استوار است، نه جهت الحادی و بر مبنای کفر و استکبار. از این رو، می‌توان گفت ایشان به مفهوم شبکه‌ای از دولت بر مبنای هندسه الهی معتقد است.

در بحث ساختار دولت، مقام معظم رهبری به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف‌شده غربی باور ندارند؛ بلکه ایشان در تعریفی ساده از ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده و دولت کوچک)، به دولت کوچک پویا و تعاملی معتقدند. به اعتقاد ایشان، ساختار دولت، ولایت فقیه‌ای بر پایه ولی فقیه و سه قوای مقننه، مجریه و قضاییه است که به صورت مستقل و مجزا از یکدیگر فعالیت می‌کنند و دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اسلامی بودن قوانین و حفظ مصلحت اسلام و مردم مسلمان نظارت می‌کنند. ایشان کارویژه اصلی دولت را «نظارت، حمایت و هدایت» و اصل اساسی را عدم دخالت دولت در زندگی مردم می‌دانند، جز زمانی که مصلحت اسلام یا مردم مسلمان اقتضا کند که در این صورت دولت می‌تواند در امور مردم دخالت کند. بر اساس همین نقش، کارویژه و وظیفه‌ای که برای دولت تعریف می‌کنند، در نظریه دولت خود، به نظریه عدل‌محور و دولت کریمه معتقدند؛ دولتی که بر مبنای عدل و قسط و ایمان و عزت اسلامی استوار است و حکمرانی می‌کند.

در جدول ذیل، خلاصه‌ای از اندیشه سیاسی ایشان در باب مفهوم، ساختار و نظریه

دولت ارائه شده است:



ردیف	وجوه نظری بحث	نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای
	مفهوم دولت	شبکه‌ای مبتنی بر هندسه الهی: تلفیق ارگانیک و مکانی؛ الهی - مردمی بودن منشأ دولت؛ مردم‌سالاری دینی؛ استقلال، آزادی و جمهوری
	کارویژه دولت	الف) وظایف مربوط به امور معنوی: - شامل تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و تقویت مبانی شناختی و فرهنگی مردم - تأمین آزادی‌های مختلف برای افراد جامعه - ایجاد مصونیت ب) وظایف مربوط به امور مادی و رفاهی: - پرداختن به صنایع کوچک و متوسط در بخش صنعت و اشتغال‌زایی - توجه به اولویت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولتی - توجه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان - تأمین امنیت کاری و شغلی - مراقبت و حمایت از مردم و خدمت به آنها، به‌خصوص محرومان، ستمدیدگان، ازپافتادگان و محتاجان - کنترل، هدایت و نظارت در مسائل و امور اقتصادی و بر کیفیت استفاده از سرمایه، پول و مال و مصرف آن - ضامن اجرای قانون بودن - حضور کامل دولت در همه فعالیت‌های جامعه به منظور نظارت و کنترل بر فعالیت‌های جامعه و نه دخالت در امور مردم

<p>- قرار دادن مقرراتی برای کارفرمایان جهت رعایت حقوق کارگران و قشر محروم جامعه و حمایت و دستگیری از حقوق مظلومان و محرومان - و ...</p>		
<p>ولایت فقیهی با ساختار کوچک و گویا و تعاملی: به دولت حداقلی یا حداکثری با الزامات تعریف شده غربی معتقد نیستند؛ بلکه ایشان در تعریف ساختار دولت (دولت بزرگ یا گسترده و دولت کوچک)، به دولت کوچک پویا و تعاملی قایل‌اند.</p> <p>ساختار دولت: ولایت فقیهی بر پایه ولی فقیه و سه قوای مقننه، مجریه و قضاییه مستقل و مجزا از یکدیگر و همراهی دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام.</p> <p>وظیفه دولت: «نظارت، حمایت و هدایت»، یعنی عدم دخالت دولت در زندگی مردم، جز وقتی مصلحت اقتضا کند = دولت کوچک پویا بدون الزامات نظریات دولت حداقلی در غرب.</p>	ساختار دولت	
	نظریه دولت	

منابع

- قرآن کریم.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، *مبانی علم سیاست*، تهران: نشر توس، چاپ دهم.
- امام خمینی (بی تا)، *حکومت اسلامی*، قم: انتشارات آزادی.
- _____ (۱۳۶۸)، *الرسائل*، قم: اسماعیلیان.
- _____ (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *آموزش دانش سیاسی*، ویراست جدید، تهران: نگاه معاصر.
- بازمحمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵)، *مجموعه پژوهش‌های اقتصادی: اندازه دولت در اقتصاد ایران (شماره ۲۹)*، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- توحیدفام، محمد (پاییز ۱۳۸۲)، «پایان تاریخ در عصر جهانی شدن دموکراسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱.
- _____ (پاییز ۱۳۸۱)، «جهانی شدن دموکراسی و گذار به نظریه نئوپولورالیسم دولت»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۶، شماره ۳.
- _____ (۱۳۸۹)، *چرخش‌های لیبرالیسم*، تهران: نشر روزنه، چاپ دوم.
- _____ (بهار ۱۳۸۰)، «دموکراسی پیشیناز گفت‌وگوی تمدن‌ها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۲، شماره ۷.
- _____ (۱۳۸۸)، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن*، تهران: نشر روزنه، چاپ دوم.
- _____ (زمستان ۱۳۸۰)، «طرح‌های تمدنی و دولت ملی در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۳، شماره ۱۰.
- _____ (زمستان ۱۳۸۲)، «نظریه‌های دولت مدرن در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۷، شماره ۴.
- چشمی، اکبر (۱۳۸۴)، *عوامل تعیین‌کننده اندازه دولت با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵)، *حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- *نرم‌فزار حدیث ولایت*، ویراست دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.



- سایت آیت الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir).
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و هشتم.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ سیزدهم.
- عبدالرؤف المناوی القاهری، زین الدین (بی تا)، *کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق*، تهران: کتابخانه دیجیتال کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- گرجی ازدریانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، *امام خمینی و حکومت اسلامی (پیشینه و دلایل ولایت فقیه)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۳)، *نظام سیاسی اسلام*، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰)، *نظام سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۰)، *درآمدی بر نظام سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Aristotle (1988), *Politics*, Translated by c. p. c. Reere, Cambridge, Hackett publishing company.
- Cud worth, AG, Wood worth, JC (2007), *Susceptibility to the MHC class I genes HLA-B and HLAA Nature*.



سال بیست و یکم / شماره هشتادویکم / بهار ۱۳۹۷